



The Impact of Socio-Political Factors on the Economic Stagnation and Decline of Iran during the Afghan Period (1142-1135 AH)

Somayeh Khanipour* Fahimeh Shakiba **

*Assistant Professor. College Iranian Studies, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran. E-mail: s.khanipour@vru.ac.ir

** (Corresponding Author) Assistant Professor, College Iranian Studies, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Iran. E-mail: f.shakiba@vru.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6 Mar 2022

Received in revised

form: 10 July 2022

Accepted: 16 Aug 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Iran,
Safavid dynasty,
Afghan,
Socio-political factors,
Economy,
Recession and
Degeneration.

The fall of the Safavid dynasty in 1135 AH, due to economic, political, military and ideological crises, opened the way for parallel tribal forces; One of the most important issues of this period is the impact of unhealthy political and social situation on the economy of the society. Political instability, chaos, the establishment of tribal monarchies and domestication, in a short period of Afghan rule, affected Iranian society and, most importantly, affected Iran's economic life. The main question of the present article is how the Iranian economy in the Afghan era has been affected by political and social factors and has stagnated and degenerated. Here, relying on descriptive-explanatory method, it is tried to study economic conditions and the impact of socio-political factors on the current situation. So, it is assumed that the lack of political stability and security, the emergence of multiple centers of power, heavy taxes, road insecurity, murder and looting and reduced active population led to recession and economic decline and cessation of domestic and foreign production and trade during the Afghan era.

Cite this article Khanipour, Somayeh & Shakiba, Fahimeh (2022). The Impact of Socio-Political Factors on the Economic Stagnation and Decline of Iran during the Afghan Period (1142-1135 AH). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No31 Pages.209-243.

DOI. 10.22111/JHR.2021.39291.3196

© The Author; Somayeh Khanipour & Fahimeh Shakiba

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



DOI. 10.22111/JHR.2021.39291.3196



تأثیر عوامل سیاسی اجتماعی بر رکود و انحطاط اقتصادی ایران در دوره افغان‌ها (۱۱۳۵ - ۱۱۴۲ هـ ق)

سمیه خانی پور^۱  فهیمه شکیبا^۲ 

۱. استادیار استادیار گروه ایران‌شناسی دانشکده ایران‌شناسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، ایران؛ رایانامه s.khanipour@vru.ac.ir

۲. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده ایران‌شناسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان (نویسنده مسئول)، f.shakiba@vru.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سقوط سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ هـ.ق، ناشی از بحران‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی؛ زمینه را برای نیروهای موازی قبیله‌ای باز کرد؛ یکی از مهم‌ترین مسائل این دوره تأثیر اوضاع نابسامان سیاسی اجتماعی بر اقتصاد جامعه است. بی‌ثباتی سیاسی، هرج و مرج، استقرار نظام ملوک‌الطوایفی در مدت کوتاه سروری افغان‌ها جامعه ایران را درگیر مسائلی کرد و از همه مهم‌تر اینکه حیات اقتصادی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که اقتصاد ایران در دوره افغان‌ها چگونه از عوامل سیاسی اجتماعی تأثیر پذیرفته و دچار رکود و انحطاط شده است؟ به‌منظور یافت پاسخ این پرسش با تکیه بر روش توصیفی تبیینی، شرایط اقتصادی و تأثیر عوامل سیاسی اجتماعی بر وضع موجود بررسی شد و چنین به نظر رسید که نبود ثبات و امنیت سیاسی، پیدایش مراکز متعدد قدرت، اخذ مالیات‌های سنگین، ناامنی راه‌ها، قتل و غارت و کاهش جمعیت فعال کشور منجر به رکود و انحطاط اقتصادی و توقف تولید و تجارت داخلی و خارجی در دوره افغان‌ها شده است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

واژه‌های کلیدی:

ایران،

افغان،

سلسله صفویه،

عوامل سیاسی اجتماعی،

اقتصاد،

رکود و انحطاط.

استناد: خانی پور، سمیه و شکیبا، فهیمه (۱۴۰۱) تأثیر عوامل سیاسی اجتماعی بر رکود و انحطاط اقتصادی ایران در دوره افغان‌ها (۱۱۳۵ - ۱۱۴۲

هـ ق)، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۱، ص ۲۰۹-۲۴۳.

DOI. 10.22111/JHR.2021.39291.3196

© نویسندگان. سمیه خانی پور و فهیمه شکیبا

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

ایران پسا صفوی نمونه بارز جامعه‌ای بی‌نظم و آشفته است. طوفان‌های فزاینده سیاسی— نظیر قتل و غارت‌های مکرر، عصیان و نافرمانی حاکمان محلی و مأموران دولتی، قبیله‌گرایی، درگیری‌های درون دودمانی و اشغال بخشی از کشور توسط روسیه و عثمانی— جامعه ایران را درگیر آسیب‌های فراوان اجتماعی و رکود شدید حیات اجتماعی و اقتصادی کرد. در این دوره ایران غارت شد و در معرض اضمحلال قرار گرفت. به تعبیر مرعشی، افغان‌ها «باعث فتن و آشوب و خرابی بلاد ایران بل ربع، مسکون گردید» (مرعشی صفوی، ۱۳۲۸: ۵۱). منابع مادی و انسانی با قتل‌عام‌ها و کشتارهای مکرر و قحطی‌ها و بروز بیماری‌های همه‌گیر و زیرساخت‌های تولیدی، تجاری و بازرگانی کشور از بین رفت (فوران، ۱۳۷۷: ۱۲۶). این اضمحلال همه‌جانبه در دوره‌ای پایدار تا قاجاریه تداوم داشت و سایه خود را بر اوضاع عمومی ایران گسترانید. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی تبیینی عوامل مؤثر بر رکود و انحطاط اقتصاد ایران در دوره حاکمیت افغان‌ها بررسی شده است. از آنجاکه اقتصاد هر حکومت به عوامل سیاسی اجتماعی آن وابسته است، ابتدا اوضاع سیاسی اجتماعی ایران و پیامدهای آن در دوره مزبور معرفی می‌شود تا درکی مناسب از اوضاع جامعه ایران در این دوره حاصل شود، سپس ارتباط بین جمعیت و اقتصاد، اوضاع تجارت داخلی و خارجی ایران در زمان حکومت افغانه بررسی شده است تا عوامل مؤثر بر رکود و انحطاط اقتصاد ایران در این دوره روشن گردد. با توجه ویژه به تاریخ، این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند برای مطالعه تاریخ اقتصادی ایران، به‌عنوان یک نیاز اساسی در برنامه پژوهشی اقتصاد ایران، مفید باشد چراکه با آگاهی از شرایط پیش‌تر تجربه‌شده می‌توان زمینه را برای حل مشکلات اقتصادی جامعه فعلی و آینده فراهم کرد.

درباره اوضاع ایران در دوره حاکمیت افغان‌ها تحقیقاتی تألیف شده است: یکی از مآخذ مهم انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، از لارنس لکه‌هارت، می‌باشد که در آن به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران اواخر صفویه و عهد حاکمیت افغانه غلزایی پرداخته شده است. برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان، از ویلم فلور، نیز شامل اسناد و روایات شاهدان هلندی کمپانی هند شرقی هلند (واک)، مربوط به سال‌های پایانی عصر صفوی تا پایان حکومت

محمود افغان، است. این اثر شرح بی‌نظیری دربارهٔ اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم ایران در این برههٔ زمانی ارائه می‌دهد. *اقتصاد ایران در عصر صفوی، از ویلم فلور*، اثر دیگری است که یکی از ویژگی‌های مهمش استفادهٔ فراوان از بایگانی واک است. این کتاب اگرچه دربارهٔ اقتصاد ایران دورهٔ صفوی است، لیکن به اقتصاد ایران در دوره‌های بعد افغانه، افشاریه، زندیه نیز پرداخته است. باوجود منابع ذکرشده، در پژوهش پیش رو سعی شده است، مستقلاً و به‌طور جامع، تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر رکود و انحطاط اقتصاد ایران در این دوره بررسی شود.

اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در دورهٔ افغان‌ها

سقوط صفویه، به‌منزلهٔ سقوط نظم سنتی سیاسی اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعهٔ ایران و سرآغاز تحولات و تغییراتی جدید، در مقایسه با دوران سروری حاکمان صفوی، بود؛ طی این تغییرات، بخش‌های مختلف اجتماع تحت تأثیر حوادث و وقایع تلخ و خون‌بار زمان خود تضعیف شد و گاه تا حد نابودی پیش رفت. در پی سقوط حکومت صفویه، دورهٔ تلخی از ناآرامی، جنگ‌های داخلی و جابه‌جایی سلسله‌ها پدید آمد و کشور دچار اغتشاش داخلی و جنگ با سرزمین‌های همسایه و لشکرکشی‌ها شد؛ از این رو، مدتی شیرازهٔ همهٔ امور از هم گسیخت (یکتایی، ۱۳۹۳: ۹۳). فقط بخش ایلیاتی جامعهٔ ایران به‌واسطهٔ زندگی متحرک و سرزندهٔ خود تأثیر کمتری پذیرفت و بر اساس سنت‌ها و ارزش‌های ایلی خود، از فروپاشی حکومت‌های متمرکز سود جست و به فعالیت نظامی سیاسی روی آورد (ادریسی آریمی، ۱۳۸۵: ۱۰). در این دوره، سقوط حکومت مرکزی و اشغال نواحی شمالی و غربی کشور، توسط روسیه و عثمانی، راه را برای ناامنی، قتل و غارت، اغتشاش، جنگ‌های داخلی و خارجی باز کرد. این امر نه‌فقط منجر به نابودی روستاها و شهرها، کاهش جمعیت و از رونق افتادن فعالیت‌های بازرگانی و رکود اقتصادی شد، بلکه نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه را چنان متزلزل و ناکارآمد کرد که در دوره‌های بعد نیز جز نام اثری از آن‌ها باقی نماند.

محمود افغان با تسخیر اصفهان در حقیقت وحدت مرکزی به وجود آمده را از بین برد و به تعبیر محمد شفیع تهرانی «فتور کوس آشوب را در هر بلده از بلاد ایران زمین... فلک رفعت و رعد خروش گردانید» (تهرانی وارد، ۱۳۴۹: ۴). درواقع، حاکمیت آنان طلیعهٔ چندین دهه جنگ، ناامنی و بی‌ثباتی در کشور بود و کار به‌جایی رسید که عموم مردم در آرزوی بازگشت امنیت و نظم بودند. دورنمای

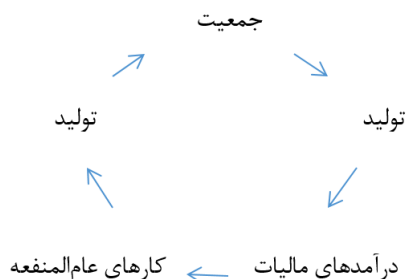
این شرایط را استرآبادی چنین توصیف کرده است: «ایران از کثرت فاسقان سفساف پیشه، بیشه فاسقون... گشت، و تیشه شقاوت اساس افکن قلوب قُروم. القصة ... به اقتضای دهر غشوم مشوم، و سوء سلوک ملوک، سلک مُلک گسیخت و بحار هرج و مرج هائج و مائج شد و فُلک مُلک از اوج موج نوایب بگرداب تباهی درافتاد... و خاک آشوب از ماشور چرخ مُغربل گشت. و ظَهَرَ الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس» (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۱ و ۱۵۴). محمود و اشرف، حاکمان افغان در ایران، پس از سقوط اصفهان به ترتیب در رأس تصمیم‌گیری‌های سیاسی قبیله‌ای قرار گرفتند. آن‌ها نه تنها توفیقی در اداره ایالت‌های تحت سلطه خود نداشتند، بلکه هیچ برنامه و طرحی هم برای اداره آن‌ها نریختند و مناطق تحت امر خویش را با توانایی‌های دیوان‌سالاری صفوی/ایرانی، که با آن امور اجرایی و مدیریتی در ایران پس از سقوط صفویه هم به سرمنزل توفیق نرسیده بود، اداره می‌کردند.

به لحاظ اجتماعی حاکمیت افغانه تأثیرات نامطلوبی بر نظام اجتماعی کشور داشت به طوری که کل نهادهای اجتماعی، که در طول حاکمیت صفویان شکل گرفته بود، از هم پاشید و متزلزل گردید. مردم تحقیر و بدون هیچ‌گونه ملاحظه انسانی قتل‌عام و غارت شدند. یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی این دوران امحای گسترده جمعیتی بود؛ در طول تاریخ، عامل جمعیت، به سبب اهمیتش در بسیج سربازان و لشکریان و اخذ مالیات و تعیین شمار اتباع، همواره یکی از ارکان قدرت حکومت‌ها بوده است. چهره جمعیتی یک منطقه عمدتاً تحت تأثیر سه عامل تغییر و تحول پیدا می‌کند: ۱- موالید ۲- مرگ‌ومیر ۳- مهاجرت. در این میان، مرگ‌ومیر و مهاجرت چهره جمعیتی ایران را متحول کرد. روشن است که جمعیت فعال ایران در این دوره بر اثر عواملی چون جنگ، قحطی، بی‌خانمانی، مهاجرت، مرگ‌ومیر ناشی از قتل‌عام و بیماری‌های واگیر به طرز چشمگیری کاهش یافت (Nobuaki, 2005: 150). تعداد زیادی از ساکنان شهرها و روستاهای ایران، که بنا به استناد منابع پیش از افغانه دارای جمعیت فراوانی بودند، در جریان حاکمیت آنان کشته شدند یا به اسارت و بندگی درآمدند. عملکرد افغانه در این زمینه و به‌ویژه در مناطق مرکزی ایران چنان شدید بود که بسیاری از شهرها و روستاهای این مناطق تا مدت‌ها ویران و خالی از سکنه باقی ماند و برخی هرگز رونق گذشته خود را بازیافت (حزین لاهیجی، ۱۳۷۷: ۱۹۶؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۴۳ و

(۱۵۵). (۱) حکمرانی افغانه وقوع حرکات مهاجرتی را نیز در پی داشت. رعب و وحشت عمومی، که بعد از کشتارهای دسته‌جمعی در دل مردم برانگیخته شده بود، سبب شد بقایای جمعیت شهرها و روستاها محل زیست خود را رها کنند و راه مهاجرت در پیش گیرند. تعداد زیادی از مردم خاص و عام به نواحی مختلفی چون هند، عراق، روسیه، هلند و ... مهاجرت کردند (درهونیان، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۷ و ۱۱۱-۱۱۲ و ۱۲۸ و ۱۳۴-۱۳۵). از سوی دیگر، حاکمیت افغانه بر ایران برهم خوردن توازن میان جمعیت یکجانشین و کوچ‌رو را در پی داشت. طی این فرآیند، تعداد زیادی از جمعیت یکجانشین غارت و پایمال سم ستوران صحراگردان شدند و تعداد زیادی از روستاییان دسته‌دسته از روستاها فرار کردند که نتیجه آن ویرانی و خالی از سکنه شدن بسیاری از نواحی آباد و پرجمعیت بود (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۰-۷۱؛ لکه‌ه‌ارت، ۲۵۳۷: ۵۶؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۳۵۳؛ وثوقی، ۱۳۸۹: ۳۰۰). بنا به گفته مالکوم، «در عرض هفت سال حکومت افغان‌ها بر ایران، نزدیک به چهار کرور (دو میلیون) نفر از مردم ایران تلف شد و بهترین ممالک آن ویران و نیکوترین عمارت آن با خاک یکسان گشت» (مالکوم، ۱۳۶۳: ۳۴۶). (۲) این سخن تا حدودی اغراق‌آمیز است، اما می‌تواند نشان از عمق کشتارها و خرابی‌های آن ایام باشد.

ارتباط جمعیت و اقتصاد

امحا و برهم خوردن موازنه جمعیت شهر و روستا مهم‌ترین پیامد اجتماعی حمله افغانه بود که تأثیرات جدی و سرنوشت‌سازی بر اقتصاد و پویایی آن در ایران گذاشت. این موضوع را می‌توان ناشی از ارتباط دو سویه بین جمعیت و اقتصاد در دوره پیش سرمایه‌داری قلمداد کرد؛ یعنی این دو بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌پذیرند، نه اینکه یکی علت و دیگری معلول باشد. در دوران پیشامدرن جمعیت زیاد نشان‌دهنده پویایی و رونق اقتصادی بود درحالی‌که عکس این مطلب نیز صدق می‌کرد. این ارتباط را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



این ارتباط دایره‌وار به این معنی است که هرگاه و به هر دلیلی جمعیت کاهش یابد، مثلاً بیماری‌های واگیردار یا کارهای عمومی انجام نگیرد، ائتلاف منابع یا جنگ و اشغال کشور از سوی نیروی مهاجم، بر کل نظام اقتصادی تأثیرات بسیاری خواهد گذاشت؛ یعنی مقدار تولید، سطح قیمت‌ها، کل فرایند بازتولید و قابلیت اقتصاد در تولید مازاد از این رهگذر لطمه خواهد دید. هر کاهشی در توان تولید اقتصادی موجب می‌شود سیر رشد جمعیت نیز متوقف شود؛ به همین روال، کاهش جمعیت نیز همین سرانجام را خواهد داشت. در واقع، شمار زیادی از ناظران گفته و نوشته‌اند تراکم پایین جمعیت در ایران یکی از عوامل کندی توسعه اقتصادی در ایران بود که به نوبه خود موجب تداوم این وضعیت، یعنی تراکم پایین جمعیت، شد. با توجه به اینکه جنگ و آشوب از ارکان اصلی نظام سیاسی ایران در این دوره است و آشوب‌ها هزینه‌های سنگین اقتصادی اجتماعی دارد، در مجموع، امکان پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور فراهم نمی‌شود. در مقابل، وقتی ناامنی و بی‌ثباتی بر جامعه حکم‌فرما باشد، سرمایه مالی و فعالیت‌های تجاری انباشت نمی‌شود زیرا این امر مستلزم حداقلی از امنیت و اطمینان به آینده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۲) و به زبان نورث الگویی از ساختار انگیزشی به وجود خواهد آمد که هیچ‌کس رغبت به کار ندارد، تولید نمی‌کند، مبادله صورت نمی‌گیرد، سودهای ناشی از مبادله محقق نمی‌شود و در نتیجه، اقتصاد توسعه یافته تحقق نمی‌یابد (رضاقلی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). نظر به اینکه اقتصاد ایران همواره در دو بخش داخلی و خارجی و در دو بعد تجاری و کشاورزی اهمیت داشته است، در این نوشتار، تلاش شده است با در نظر گرفتن مسئله فوق این بخش تشریح و تبیین شود.

تجارت داخلی

۱ - بازرگانی و تجارت زمینی

حاکمیت طولانی صفویان و تلاش آن‌ها برای برقراری امنیت و ثبات کشور موجب گسترش آبادی‌ها، ازدیاد جمعیت، رونق صنعت و بازرگانی شده بود. راه‌های کاروان‌رو داخل کشور ساخته شد؛ اهتمام در ساختن راه‌ها و برقراری امنیت باعث تسهیل در حمل‌ونقل کالا و مسافر شد؛ اغلب جهانگردان اروپایی امنیت راه‌های ایران و به‌ویژه در دوره شاه‌عباس اول را ستوده‌اند (سفرنامه بردران شری، ۱۳۵۷: ۱۲۶-۱۲۷؛ تشکری بافقی، ۱۳۹۲: ۵۱). با ایجاد قدرت متمرکز صفوی و امنیت راه‌ها، بازرگانی رونق زیادی گرفت و رفاه و آسایش ممتدی که ایرانی‌ها مدت‌های مدیدی از آن بی‌بهره بودند در این زمان به‌دست آمد. در این شرایط، اصفهان، مرکز سیاسی اداری ایران، به یکی از مراکز مهم و اصلی تجارت مشرق‌زمین تبدیل شد؛ تجار و بازرگانان از شهرهای مختلف اروپایی و همین‌طور از هند و نقاط مختلف آسیا به این شهر آمدند و به خریدوفروش اجناس و دادوستد پرداختند. اما، حاکمیت‌یافتن افغان‌ها همه تلاش‌های گذشته را بی‌ثمر کرد. گسترش ناامنی در ایران، رشد قدرت رؤسای طوایف و قبایل و به‌هم خوردن امنیت جاده‌ها به کاهش شدید مبادلات اقتصادی و رکود تجارت داخلی و خارجی انجامید. از این‌رو، بازرگانی کساد شد، کاروان‌ها را در راه غارت می‌کردند و راهزنی به بالاترین حد خود رسید (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۰۱). حاصل این‌ها، فروپاشی جامعه‌ای بود که طی دویست‌سال تحول و توسعه، به جایی رسید که چنین بحرانی در آن سابقه نداشت: [حاکمیتی] که بر اقتصاد سیاسی [و شالوده‌های اقتصادی ایران] اثرات بی‌نهایت مخربی بر جای نهاد؛ تجارت منطقه‌ای و دادوستد با مناطق دور کاهش یافت و قیمت بالای اجناس و کمبودهای ادواری و قحطی‌ها بیش از همه به ساکنان شهر آسیب رساند (فوران، ۱۳۷۷: ۱۲۷). سلطه افغان‌ها که با بهره‌کشی‌های غارتگرانه مالیاتی استبداد خشن و چپاول مستقیم مردم همراه بود تأثیر بی‌اندازه بدی در اوضاع اقتصادی ایران گذاشت چنان‌که‌هاخذ مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان، پیشه‌وران، صنعت‌گران و تجار به توقف تولید و تجارت انجامید. این وضع به عمیق‌شدن زوال اقتصادی ایران منتهی شد (گیلانتر، ۱۳۷۱: ۵۵، ۷۴ و ۹۹؛ دوسرسو، ۱۳۶۴: ۱۹۶-۱۹۷؛ اشراقیان، ۲۵۳۶: ۲۶۲ و Baladouni and Makepeace, 1998: 17).

عمده‌ترین ضربه‌ای که افغانه به تجارت و بازرگانی ایران در این دوره وارد کردند از بین بردن و تضعیف مناطق مهم تجاری و بازرگانی بود. باید گفت اقتصاد ایران بزرگ‌ترین ضربه را در ۱۱۳۵ ق/۱۷۲۲ م خورد: شورشیان افغان شهر اصفهان را به تصرف درآوردند و در پی آن دوره‌ای از اغتشاش و بی‌نظمی سراسر مملکت را فراگرفت (سیف، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹). شهر اصفهان مرکز اصلی تجارت ایران در عهد صفویه بود؛ شهرت جهانی این شهر باعث شد اقوام و ملیت‌های گوناگون مانند هندی‌ها، تاتارها، ترک‌ها، یهودی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها برای انجام‌دادن امور تجاری خود در این شهر زندگی کنند (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۲۴۲). اصفهان در این دوره درگیر مشکلات بسیاری شد؛ پیش‌تر گفته شد که عده بسیاری از مردم این شهر یا طعمه شمشیر شدند یا بر اثر بیماری و قحطی جان سپردند همان‌طور که لمبتون گفته است: «دوره تسلط افغان‌ها فقط با خرابی و انهدامی که مخصوصاً در اصفهان و حومه بارآورد، خصلت‌بندی می‌شود» (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۹). در منابع هلندی آمده است‌افغانه همه آدم‌های سرشناس را برای دریافت پول زیر فشار گذاشته بودند؛ بازرگانی کساد و رکود کامل حاکم شده بود؛ هر افغانی قوه قضائی و اجرایی راه، در آن واحد، بی‌آنکه در برابر کسی مسؤول باشد یا مؤاخذه شود، در اختیار داشت. اسخارور، نماینده کمپانی هند شرقی هلند، در نامه ۲۲ مه ۱۷۲۲ نوشته است: از زمان آمدن محمود هیچ برات مهمی وصول نشد؛ بازرگانان خانه‌نشین شدند و هیچ معامله‌ای انجام ندادند. سرانجام، در اصفهان بازرگانی از رونق و رمق افتاد و در بیرون شهر همه در حال شورش و قیام بودند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۲۸، ۲۴۳-۲۴۴ و ۲۵۱). همچنین در نامه مورخ ۱۷۲۵ م/۱۱۳۷ ق (در زمان اشرف) بیان کرده است: بازرگانی به سبب ناامنی مانند پیش همچنان راکد است (فلور، ۱۳۶۷: ۱۳-۱۵). افزون بر این، منابع از تخریب و غارت شهرها و مراکز مهم تجاری و صنایع‌دستی ایران چون، شیراز، لار، کرمان، بندرعباس، کاشان، یزد، تبریز و ... خبر می‌دهند (۳). در این شرایط، طبیعی است که نابودی شهرها و روستاها در کاهش، افول و رکود شدید تجارت در ایران نقش بسیار داشته است. به‌ویژه شهرها که بیشتر مبادلات، تبادلات و تعاملات بازرگانی و تجاری در آن انجام می‌گرفت و با کشتار و خرابی‌های گسترده‌ای که در آن‌ها اتفاق افتاد تجارت در این سرزمین راکد ماند.

۲ - تجارت دریایی

خلیج فارس در مباحث اقتصادی و امنیتی منطقه و جهان جایگاه بسیار مهمی دارد؛ چنان‌که می‌دانیم این منطقه از روزگار باستان محل رفت‌وآمد، اختلاط و ارتباط اقوام متعدد اعم از سوداگر و دریانورد، جنگاور و ماجراجو و محل حضور و موضوع کشمکش و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است. تاریخ نیز به‌درستی نشان داده هر قدرتی که جایگاه خود را در این منطقه از دست داده در هرم قدرت جهانی نیز فرو افتاده است و برعکس (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۳، ۳۱۲ و ۳۴۰). خلیج فارس در اواخر دوره صفویه تحولات سیاسی و اقتصادی خاصی را سپری کرده است. در این دوران آشفتگی‌ها و ناامنی‌های سیاسی و اجتماعی در بنادر و کرانه‌های ایرانی خلیج فارس، به علت ضعف حکومت مرکزی، اثرات منفی و نامطلوبی در تجارت و دریانوردی تجاری ایران باقی گذاشت (همان: ۱۷، ۴۴-۴۶ و ۹۹). از اواخر سلطنت صفویه، سواحل و بنادر جنوب خلیج فارس در معرض تاخت‌وتاز طوایف و قبایل مختلفی بود که به دلیل خلاء قدرت صفوی قادر شدند بساط قدرت‌طلبی خود را در کرانه‌های جنوبی و شمالی خلیج فارس بگسترانند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۹۵). در این زمانظلم و ستم‌بسیاری بر مردم سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس وارد آمد؛ دزدان و اعراب بارها به این نقاط حمله‌ور شدند؛ آرامش این مناطق را برهم زدند؛ در دریا به کشتی‌ها و در خشکی به آبادی‌ها حمله کردند و اموال ساکنان جزایر و بنادر را به غارت بردند (نوربخش، ۱۳۶۹: ۱۷۴). بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد در این دوره تهاجم اعراب، بلوچ‌ها و افغان‌ها (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج اول، ۴۹۶؛ متی، ۱۳۹۳: ۲۲۹ و ۲۳۱؛ لکه‌پارت، ۱۳۴۳: ۱۳۲-۱۳۳؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۸۰ and ۹۵, 97; Floor, 2013) به منطقه خلیج فارس موجب شد هرج‌ومرج و ناامنی به اوج خود برسد و با تخریب و از بین رفتن منابع فیزیکی و انسانی کل معاملات و مبادلات تجاری برای دوره‌ای چند ساله متوقف شود. کشتار، غارت و چپاول افغانه در خلیج فارس و به‌ویژه بندرعباس، کانون تجارت دریایی ایران، به اقتصاد دریایی و زمینی ایران صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرد (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۲۵-۲۲۴؛ فلور، ۱۳۶۷: صص ۸۴ و ۸۸-۹۰ و ۱۰۲-۱۰۱ و ۱۰۴ و ۱۲۲ و ۱۸۷؛ حبیبی و وثوقی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷؛ ویلسون، ۱۳۶۶: ۲۰۵ و ۲۳۲؛

اسدپور، ۱۳۸۷: ۹۰ و ۱: Floor, 2011). یکی از مأموران کمپانی هند شرقی هلند در این باره گزارش داده است: «بندرعباس به‌جای اینکه شهر بازرگانی باشد بیشتر مانند یک دهکده ماهیگیری شده است. دیگر کسی از بازرگانی سخن نمی‌گوید؛ هرکس برای رهایی جان خود از شهر بیرون رفته ... زیرا ناامنی و عدم اطمینان در گمبرون وجود داشت» (فلور، ۱۳۶۵: ۳۰۲-۳۰۳ و ۳۰۷). در مجموع باید گفت، ناامنی خطوط بازرگانی، اعم از خطوط دریایی یا زمینی، باعث کاهش تجارت و درآمد و سهم بازرگانی ایران در خلیج فارس شد. آشفتگی و ناامنی سیاسی اجتماعی در بنادر و کرانه‌های خلیج فارس در دوران متأخر صفوی و حاکمیت افغانه اثرات منفی و نامطلوبی در تجارت و دریانوردی تجاری ایران در خلیج فارس باقی گذاشت (اسدپور، ۱۳۸۷: ۹۹).

۳ - تولیدات دامی و کشاورزی

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد از آغاز حملات افغان‌ها به ایران، روستاهای این مملکت در معرض چپاول، غارت، ویرانی و قتل‌عام قرار گرفتند و وضعیتی شبیه شهرها پیدا کردند. بسیاری از روستاهای اصفهان، همدان، شیراز، قم، کاشان، کرمان، لار، بندرعباس و بسیاری از روستاهای نواحی جنوب شرقی ایران ویران، غارت و چپاول شدند. پیامد این امر تخریب شدید روستاها بود؛ بندها و سدها، کاریزها و دیگر مؤسسات آبیاری خراب شد و کشاورزی در پرتگاه نابودی قرار گرفت (فلور، ۱۳۶۵: ۴۸ و ۶۲-۶۳ و ۲۴۶؛ لکه‌هات، ۱۳۴۳: ۱۹۱؛ سیف، ۱۳۸۷: ۳۹؛ گیلانتر، ۱۳۷۱: ۹، کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۱۰؛ دوسرسو، ۱۳۶۴: ۲۹۶-۲۹۵؛ فلور، ۱۳۶۷: ۱۵۶؛ پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۴۹: ۵۹۷ و ۲۰۱۲، A chronicle of the Carmelites in Persia: 150-154). از سویی، این شرایط بر تولیدات دامی ایران، که بخش زیادی از صادرات ایران را تشکیل می‌داد، تأثیر گذاشت. در طول تاریخ ایران، قبیله‌های چادرنشین همواره پشم تولید می‌کردند و بعد از ابریشم مهم‌ترین الیاف ایران بود (Floor, 2003: 403). کرمان در عهد صفویه و پس از آن مرکز مهم تولید پشم بود به همین علت کمپانی‌های هند شرقی، هلند و انگلیس هر کدام شعباتی در این منطقه داشتند که خریدار پشم گوسفند در این ناحیه بود (متی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). اما این تجارت بر اثر حملات متعدد قبایل افغان و بلوچ به کرمان، کشتار مردم و قحطی متعاقب تا حد زیادی دچار رکود و توقف شد. گزارش آوانس نماینده واک در کرمان در سال ۱۷۲۵ م/ ۱۱۳۷ ق از اوضاع نابسامان

کرمان و رکود تجارت پشم دال بر این مدعا است. او به مدیر واک در گمبرون نوشت: «اجازه دهید کرمان را ترک کرده و به گمبرون بیایم ... در این حال به سبب خبرهائی که به‌ویژه درباره تغییر حکام و به‌طورکلی درباره افغان و بلوچ بر سر زبان‌ها است، بازرگانی پشم آینده خوبی ندارد.» از این رو، چون ماندن آوانس در کرمان به سود واک نبود، به مدیر واک خبر داد که: «من در ۱۲ دسامبر ۱۱۳۷/۱۷۲۵ ق کرمان را ترک کردم زیرا حتی در این زمان غالباً راه برای عبور یک تن هم بسته است و ماندن من در کرمان موجب نخواهد شد که واک بتواند به گردآوری پشم پردازد، چون حمل و نقل پشم امکان ندارد.» (فلور، ۱۳۶۷: ۴۰ و ۴۲).

قالی از زمان‌های قدیم مشهورترین مال‌التجاره— و بزرگ‌ترین صنعت— در ایران بوده است. مهم‌ترین شهرهای تولیدکننده قالی در ایران عبارت‌اند از: تبریز، کاشان، سلطان‌آباد، کرمان، یزد، خراسان و کردستان (جمالزاده، ۱۳۳۵: ۲۰). با وجود این، عالی‌ترین قالی‌ها در کرمان بافته می‌شد (شاردن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۸۹۶). اما این تجارت نیز بر اثر نبود امنیت، قتل، کشتار و غارت افغانه دچار بحران و رکود شد. بنا به گزارش هیئت اعزامی بریتانیا به جنوب شرقی ایران در اوایل سده بیست میلادی: «کرمان تقریباً بهترین پشم ایران را تولید می‌کند. زمانی صادرات پشم رونق زیادی داشت، اما در حال حاضر از بین رفته است.» (اوضاع اقتصادی ایران در سده بیستم، ۱۳۷۶: ۱۲۱). همچنین پشم فرش‌هایی که در اصفهان بافته می‌شد از کرمان تأمین می‌شد (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹). تحت این شرایط، با کاهش تولید پشم کرمان یقیناً تولید فرش اصفهان نیز با کاهش مواجه شده است. بنابراین، می‌توان گفت افغان‌ها چیزی جز خرابی شهرها و مراکز تجارتي و ویرانی روستاها و باغات و زمین‌های کشاورزی چیز دیگری به ارمغان نیاوردند. سلطه آن‌ها موجب شد تلاش چندین ساله شاهان صفوی و مردم ایران در زمینه رونق اقتصادی کشور بر باد رود و رفاه و آسایش از مردم گرفته شود.

تجارت خارجی

دوره صفویه از لحاظ روابط خارجی با دول اروپایی نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود؛ روابط اقتصادی و سیاسی‌یادی— با اولویت روابط اقتصادی— با کمپانی‌های اروپایی شکل گرفت که تا آن زمان بی‌سابقه بود (خلیفه، ۱۳۷۹: ۲۷، ۳۸ و ۱۲۸). از سویی، دوره صفویه، به علل متعدد،

از موقعیت ممتازی برخوردار بود: تقارن زمانی با رشد مناسبات تجارت بین‌المللی و تعامل با کمپانی‌های هند شرقی اروپا. خلیج فارس در این عصر (قرن ۱۱ ق/ ۱۷ م) نقش مهمی در روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی داشت و دولت‌های مقتدر اروپا (مانند انگلیس، هلند و فرانسه) کوششی کردند تجارتخانه‌هایی در بنادر خلیج فارس داشته باشند و تجارت شرق را به انحصار خود درآورند (Floor, 2015: 42-43). با سقوط اصفهان و حاکمیت یافتن افغانه، شرایط تغییر کرد: تجارت خارجی ایران از رونق افتاد و نمایندگان و اعضای کمپانی‌های خارجی تحت فشار قرار گرفتند و اموالشان غارت شد. روابط گسترده سیاسی و تجاری، که ایران عصر صفویه با همسایگان خود برقرار کرده بود، از هم پاشید؛ درست همان‌گونه که اقتصاد داخلی ایران بر اثر هجوم و حکومت افغان‌ها کامل از هم گسیخت. در واقع، به دلیل تهاجم افغان‌ها به ایران، اشغال کشور، نابسامانی، جنگ‌های داخلی و خارجی تجارت ایران با [همسایگان] و اروپا در دهه ۱۱۳۲ ق/ ۱۷۲۰ م کاهش چشمگیری پیدا کرد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۲۹).

۱ - تجارت منطقه‌ای ایران در دوره افغان‌ها (عثمانی، روسیه و هند)

با آمدن افغانه، تجارت منطقه‌ای بسیار کاهش یافت. در این دوره، شمال و شمال غرب ایران، از مراکز مهم تولید ابریشم، با تهاجم از سوی دو همسایه روس و عثمانیتس‌خیر شد. افغان‌ها هرگز بر نواحی شمالی ایران دست نیافتند درحالی که روس‌ها بر نواحی دربند، باکو و ایالت‌های گیلان و مازندران استیلا یافتند. از سوی دیگر، عثمانی نیز نواحی تبریز و گنجه را گرفت و هنگام مرگ پتر در سال ۱۱۳۸ ق/ ۱۷۲۵ م. نیز بر گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و شروان دست یافت. بر اثر این اقدامات، تجارت ابریشم ضربه سنگینی را متحمل شد. بنا به گزارش «رودی متی»، در نخستین سال‌های ۱۱۳۸ ق/ ۱۷۲۵ م، به سبب ناامنی، ابریشم ایران بسیار کم یا اصلاً تجارت نمی‌شد (Matthe, 1999: 226). درحالی که اوایل قرن دوازدهم قمری، وضع به‌گونه‌ای دیگر بود. بر اساس سند ثبت‌شده گریگوری مالخانوف و ایوان تاتارینوف در ۱ جمادی‌الثانی ۱۱۱۸ / ۱۰ سپتامبر ۱۷۰۶، تجار ارمنی مقدار زیادی کالای تجاری را، نظیر ابریشم، (جمعاً ۳۳۹ عدل ابریشم به ارزش ۱۴,۱۹۵ روبل) از آرخانگل به مسکو و از آنجا به اروپا انتقال دادند. (۵۹-۵۵: Bounoutian, 2001). (۴)

تجارت با عثمانی، که عمدتاً شامل ابریشم می‌شد، از قزوین (بارانداز اصلی ابریشم خزر) به تبریز و سپس ارزروم در آناتولی یا از طریق اردبیل به شماخی در قفقاز و سپس ایروان و از آنجا به ارزروم در جریان بود. مسیر جنوبی به عثمانی از همدان و بغداد یا موصل و حلب بود (میرجلیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۸). آنچه بدیهی است اینکه هیچ داده مطمئندی درباره صادرات به عثمانی، در قرون ۱۱ و ۱۲ ق/ ۱۷ و ۱۸ م، وجود ندارد. صادرات ابریشم احتمالاً هر ساله ۵۰۰ عدل نوسان داشت و اوایل دهه ۱۱۱۰ ق/ ۱۷۰۰ م حتی بالاتر هم بود. تولید ابریشم ایران، در سال ۱۰۸۱ ق/ ۱۶۷۰ م، ۳۳۳۸ پوند بود که ۴۶۲ تن یا ۱۳/۶٪ از آن به ترکیه (ازمیر) صادر می‌شد. پس از آن، صادرات ابریشم به عثمانی کاهش یافت. احتمالاً، حدود سال ۱۱۱۲ ق/ ۱۷۰۰ م، ارامنه ۶۰۰ تا ۹۰۰ عدل ابریشم خالص را در سال از گنجه به حلب صادر می‌کرده‌اند. همین مقدار در طول دوره‌ای مشابه از ایران به ازمیر برده شده است، پس از سال ۱۱۲۶ ق/ ۱۷۱۴ م، وقتی بحران اقتصادی ایران را فرا گرفته بود، تجارت میان ایران و عثمانی به شدت کاهش یافت. سقوط صادرات ابریشم مقامات عثمانی را نگران کرد و آنان در سال ۱۱۳۳ ق/ ۱۷۲۰ م در پی یافتن ریشه مشکل نماینده ویژه‌ای را، به نام دوری افندی، فرستادند. او با خود نامه‌ای داشت که حمایت کامل از بازرگانان ایرانی را، که به سرزمین‌های عثمانی وارد می‌شدند، تضمین می‌کرد؛ اما وقتی غلزایی‌ها، در سال ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۲ م، صفویان را از قدرت برکنار کردند و اقتصاد ایران از غارت‌ها و یغماگری‌ها و مالیات‌های سنگین و ظلم و ستم آن‌ها به شدت آسیب دید، این وضع وخیم‌تر شد (Floor, 2000: 226). در پی تصرف تبریز و آذربایجان در سال ۱۱۳۷ ق/ ۱۷۲۴ م، عثمانی به هدف خود، که تسلط بر مناطق تولید ابریشم بود، رسید و تلاش کرد صادرات ابریشم در مناطق تحت سلطه‌اش صورت گیرد؛ از این رو، صادرات ابریشم را از مناطق تحت اشغال آغاز کرد؛ ابریشم از آذربایجان به لوانت می‌رفت. منبعی هلندی گزارش می‌دهد که تجارت ابریشم، حدود ۱۱۴۰-۱۱۳۳ ق/ ۱۷۲۷-۱۷۲۰ م، تقریباً کم‌رنگ بود و فقط حجم کمی از آن زیر نظر عثمانی جابه‌جا می‌شد. همچنین، با تصرف گیلان از سوی روس‌ها، کانال ارتباطی لوانت قطع شد و ابریشم دیگر از شرق صادر نشد. افزون بر این، وقتی تبریز به تصرف عثمانی درآمد، راه تبریز-ارزروم به دست آن‌ها افتاد. در این میان، روس‌ها ابریشم را از مناطق شمالی، از ولگا، به روسیه می‌بردند و صادر می‌کردند. از سال ۱۱۲۳ ق/ ۱۷۱۰ م، آن‌ها به

تجارت ابریشم مشغول بودند و به سبب اوضاع آشفته پایان دوره صفوی از این کار سود فراوانی نیز بردند به طوری که بین سال‌های ۱۱۳۷-۱۱۳۸ ق / ۱۷۱۴-۱۷۲۵ م، موفق به تأسیس ۱۴ باب کارخانه تولید پوشاک پشمی شدند؛ پس از انعقاد قرارداد ۱۱۳۷ ق / ۱۷۲۴ م، تمام ابریشم نواحی شمالی کشور را در اختیار گرفتند و تعداد کارخانه‌ها را به ۳۰ افزایش دادند. آستاراخان پایگاه اصلی تجارت آن‌ها شد، با وجود این، در این دوره صادرات ابریشم کاهش یافت (Matthe, 1999: 227). در منبعی هلندی، علت کاهش صادرات ابریشم ایران، در دهه مزبور، غارت کاروان‌ها از سوی حاجی داودیگ (حاکم شماخی) در مسیر آناتولی و نامنی جاده‌های منتهی به هند به سبب حضور افغان‌ها بیان شده است: در نتیجه نامنی و افول تجارت، ۵۰ کاروانسرا در رشت طی سال‌ها خالی و متروک ماند؛ بسیاری از تجار ابریشم از ترس حمله روس‌ها به شمال ایران آن نواحی را ترک کردند و با خروج آن‌ها شهرهایی که تجارت ابریشم در آن صورت می‌گرفت اردوگاه قوای روس شد. در این منبع، ضمن اعلام اینکه با فروپاشی حکومت صفویان مقدار کمی ابریشم از طریق آستاراخان صادر شد، ارقام زیر را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مقدار ابریشم صادرشده از شمال ایران در فاصله سال‌های ۱۱۲۵-

۱۱۵۷ ق / ۱۷۱۲-۱۷۴۵ م (۵)

قمری/میلادی	عدل	ارزش (روبل)
۱۷۱۲ / ۱۱۲۵	۴۷۵,۲۶۶۰	-
۱۷۲۶ / ۱۱۳۹	۲۰۰,۹۹۹	۴۱,۷۴۱
۱۷۳۳-۴ / ۱۱۴۵-۶	۲۵۰,۱۶۰۰	-
۱۷۳۵ / ۱۱۴۷	۲۵۰,۱۲۷۳	۶۶,۹۰۵
۱۷۴۵ / ۱۱۵۷	۱۵۰,۷۳۸	۵۵,۱۲۴

ارائه این آمار نشان می‌دهد، با سقوط صفویه و روی کار آمدن افغانه، صدور ابریشم نزول پیدا کرده است. زمان افغان‌ها، با وجود نامنی راه زمینی هند-ایران فعال ماند و در طول قرن ۱۲ ق / ۱۸ م از آن استفاده می‌شد. (راهی که از لاهور به کراچی و از طریق قندهار به فراه، هرات و مشهد یا

قائن - نیشابور می‌رفت) (Ibid:227). روابط تجاری هند و ایران به سبب عواملی چند- نظیر نیاز مبرم هند به اسب جنگی و تقاضای ایران برای پارچه‌های هندی- به وجود آمد. ادویه‌جات، ترشیجات، فلفل و منسوجات (کتان، ابریشم و پیت) بازارهای خوبی در ایران پیدا کردند. برآورد شده است در سال ۱۰۴۸ ق / ۱۶۳۹ م حدود ۲۰،۰۰۰ تا ۲۵،۰۰۰ شتر، سالانه، کالا به پایتخت صفوی در اصفهان وارد کرده‌اند که اکثراً کالاهای پنبه‌ای هند بوده است. در این دوره مسیرهای دریایی بین این دو منطقه نیز رونق گرفت (Floor, 2000: 198). باوجوداین، درباره تبادلات تجاری ایران و هند در این سده، به علت عدم دسترسی به اسناد و منابع، اطلاعاتی نداریم؛ فقط در یک مورد، هلندی‌ها گزارش داده‌اند که آرامنه در سال ۱۱۱۳ ق / ۱۷۰۰ م آنقوزه و دیگر کالاها را با منسوجات و پول نقد مبادله کردند و کالاهایشان را از مشهد به سورات فرستادند؛ اما این مسیر در سال ۱۱۲۳ ق / ۱۷۰۹ م، در پی شورش غلزایی‌ها در قندهار، پس‌ازاینکه به هرات و مشهد کشیده شد، بسیار ناامن شد و تجارت زمینی به هند کاهش یافت. این وضعیت، با تسلط افغانه ۱۱۴۲-۱۱۳۵ ق / ۱۷۳۰-۱۷۲۲ م بر ایران، تصرف قندهار در ۱۱۴۹ ق / ۱۷۳۷ م و درنهایت با حمله نادر به هند در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۴۰ م بدتر شد؛ باین‌حال، طی قرون ۱۲ و ۱۳ ق / ۱۸ و ۱۹ میلادی روابط بازرگانی با ایران و آسیای مرکزی از طریق کابل و قندهار ادامه داشت (Ibid:210).

۲ - تجارت فرامنطقه‌ای ایران در دوره افغان‌ها (مناسبات ایران با کمپانی‌های

هند شرقی انگلیس، هلند و فرانسه)

بنا به گزارش کارملیت‌ها، اولین پیامد مستقیم حاکمیت افغانه بر ایران، توقف و قطع روابط بین ایران و اروپا بود (۱۵۴-۱۵۰ / ۲۰۱۲:۱ A chronicle of the Carmelites in Persia). در این دوره همچنین، تجار و کاروان‌های تجاری و نمایندگان کمپانی‌های مختلف هند شرقی زیان‌های زیادی را متحمل شدند؛ اموالشان به غارت رفت و در فاصله سال‌های ۱۷۲۵-۱۷۲۲ م / ۱۱۳۷-۱۱۳۵ ق از سختی‌ها و مصائب قحطی در امان نماندند؛ حتی جانشان هم در خطر قرار گرفت (Elfenbein, 2001: 89-90). هلندی‌ها می‌دیدند که چطور پول‌هایشان به زور گرفته می‌شد، پایگاه‌های بازرگانی‌شان منهدم می‌شد و مأمورانشان به قتل می‌رسیدند. انگلیسی‌ها در این دهه وضعی بهتر از هلندی‌ها نداشتند. از این‌رو، دوره فرمانروایی افغانه بر ایران را می‌توان دوره وقفه

کامل همه فعالیت‌های بازرگانی خارجی به حساب آورد (فوران، ۱۳۷۷: ۱۳۰). منابع تاریخی از اختلال امر تجارت و تهدید جانی و مالی نمایندگان کمپانی‌های مزبور، در پی شورش افغانه و پس از حاکمیت آنان بر ایران، خبر می‌دهد. در سال ۱۱۳۱ ق/ ۱۷۱۹ م، افغانه به کرمان حمله کردند و انگلیسی‌ها مجبور به ترک موقت دفتر خود در کرمان شدند (ورهام، ۱۳۶۴: ۴۸۳-۴۸۴ و ۴۸۶). بنا به گفته لیسپنسر، نماینده کمپانی هندشرقی هلند در کرمان، کمپانی انگلیس در فاجعه تاراج کرمان نزدیک سه هزار تومان زیان دید (فلور، ۱۳۶۵: ۴۵ و ۸۳). طی حمله محمود افغان به کرمان، در سال ۱۱۳۱ ق/ ۱۷۱۹ م، آوانس و خاجاتور ارمنی، که در کرمان برای کمپانی هندشرقی هلند پشم می‌خریدند، از ترس جان از شهر گریختند. در این حمله، افغان‌ها هر چه را در کمپانی بود، غارت کردند (همان: ۴۳، ۴۵، ۵۴-۵۵ و ۸-۸۳). غارت و کشتار افغانه به زودی به اصفهان رسید و بازار تجارت نیز از رونق افتاد. در واقع، در سال ۱۱۳۴ ق، که ایران گرفتار شورش افغان‌ها بود، تجارتخانه انگلیسی و فرانسوی و امثال آن در اصفهان بسته شد (اوتر، ۱۳۶۳: ۸۹؛ اشراقی، ۱۳۷۶: ۱۵۲ و وهرام، ۱۳۶۴: ۴۸۷-۴۸۸).

پس از سقوط اصفهان، محمود افغان همه نمایندگی‌ها را جریمه کرد. او از عامل انگلیسی چهار هزار تومان جریمه نقد خواست (گیلانتر، ۱۳۷۱: ۸۹-۹۴؛ باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۳۵۶). بستن جریمه و اخاذی و چپاول از هلندی‌ها در طول حکمرانی محمود نیز به کرات اتفاق افتاد. محمود از کمپانی هندشرقی هلند مبلغ چهل هزار تومان یا دو میلیون و چهارصد هزار لیره اخاذی کرده بود (هنوی، ۱۳۷۶: ۱۷۰؛ دوسرسو، ۱۳۶۴: ۲۶۸؛ فلور، ۱۳۶۷: ۱-۲، ۸-۱۲، ۱۷، ۲۳-۲۴، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰-۱۳۴، ۱۳۴ و ۱۹۵-۱۵۹). اوفرانسوی‌ها را نیز جریمه کرد؛ البته، با آن‌ها بهتر از انگلیسی‌ها و هلندی‌ها رفتار می‌کرد؛ شاید می‌دانست منابع مالی فرانسوی‌ها کمتر از رقبایشان است (لکههارت، ۱۳۴۳: ۵۳۱). اگر چه میزان وحشت در دوران اشرف کاهش یافت، لیکن تجارت کم و در مجموع، زندگی بسیار ناامن بود (Elfenbein, 2001: 89-90). در واقع، در زمان حاکمیت افغانه به سبب پایین بودن ضریب امنیت، کاروان‌های تجاری مدام تاراج و غارت می‌شدند. برای مثال، سید احمدخان، یکی از مدعیان قدرت، مبلغ هنگفتی پول از یک کاروان متعلق به کمپانی انگلیس را، در سال ۱۱۳۸ ق/ ۱۷۲۵ م، نزدیک چهارم تاراج کرد (فلور، ۱۳۶۷: ۱۶).

در این شرایط، سطح تعاملات تجاری ایران با نیروهای فرامنطقه‌ای— چون کمپانی‌های هند شرقی انگلیس، هلند و فرانسه— کاهش یافت. درباره‌ی وضع کار کمپانی هند شرقی انگلیس (ایک E.I.C) (۶) سایکس نوشته است: «در دوران آشفتگی عمومی، فروش انگلیس‌ها در ایران یک صد بسته جنس پشمی، ۲۰۰۰ آهن‌آلات و همین مقدار مس بود. این اجناس جمعاً ۲۰۰، ۰۰۰، ۱ تا ۳۰۰، ۰۰۰ کورون نقد (۶۸۷، ۵۵۴ لیره) نصیبشان کرد» (سایکس، ۱۳۹۱: ۶۵۷/۲). کمپانی، در سال ۱۱۴۲ ق/ ۱۷۲۹ م به علت نبود امنیت و رکود اقتصادی، مرکز کار و تجارت خود را از اصفهان به بندرعباس انتقال داد (نوایی، ۱۳۶۸: ۱۵۵)؛ ولی اینجا هم به‌زودی شاهد فقدان امنیت و رکود بازار کسب‌وکار تجاری هستیم. انگلیس‌ها ناچار شدند پایگاه خود را نیز در بندرعباس تعطیل کنند (سایکس، ۱۳۹۱: ۲/۵۰۷). کمپانی هند شرقی هلند (واک VOC) (۷) نیز وضع مناسبی نداشت. زمان اشرف هنوز دو مرکز تجاری هلند یکی در بندرعباس (اصلی) و دیگری در اصفهان (فرعی) اندک فعالیتی داشتند و از سومین مرکز بازرگانی هلند در کرمان شاید به سبب ویرانی عظیم شهر چندان سخنی در میان نبود (فلور، ۱۳۶۷: ۱۱). در سال سقوط اصفهان به دست غزایی‌ها، ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۲ م، مجموع تجارت هلندی‌ها در بندرعباس بالغ بر ۶۴۹/۵۳۸ گیلدر بود درحالی‌که سه سال پس‌ازآن، یعنی در سال ۱۱۳۷ ق/ ۱۷۲۵ م، این رقم حتی به ۱۰۰،۰۰۰ هم نمی‌رسید. در این دوره ارزش هر تومان ایران برابر با ۱۵ گیلدر هلندی بود. برای مثال، در سال ۱۷۲۲ م/ ۱۱۳۵ ق چهار هزار تومان ایران در بندرعباس برابر با ۶۰،۰۰۰ گیلدر هلندی گزارش شده است (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در طول این مدت سودسالانه کمپانی از تجارت با ایران به شدت کاهش یافت؛ از ۴۰۲،۸۵۹ فلورین در سال‌های ۱۱۱۱-۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۹-۱۷۰۰ م به ۱۸۵،۸۵۶ فلورین در سال‌های ۱۱۴۲-۱۱۳۳ ق/ ۱۷۲۰-۱۷۲۹ م افول یافت (Floor, 2012).

به سبب کاهش حجم تجارت خارجی این دوره، میزان صادرات پشم (کرک کرمان) از اقلام مهم صادراتی واک و ایک از ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دوره صفوی پشم به مقدار زیاد تولید می‌شد و یکی از منابع مهم درآمد جمعیت روستایی بود. دخالت‌های سیاسی، عملیات نظامی و بلایای طبیعی بر تجارت پشم تأثیر می‌گذاشت (۱۷۱: ۲۰۰۰، Floor). این عوامل بر حجم و شرایط تجارت، قیمت و نرخ حمل‌ونقل مؤثر بود. در دو جدول زیر، میزان صادرات واک و ایک را

از ابتدای قرن ۱۲ ق، در طول حاکمیت افغانه، نشان داده شده است. مقایسه این دو حاکی از برتری صادرات واک به ایک و کاهش صادرات پشم واک و ایک در دوره فرمانروایی افغان‌هاست.

جدول ۲: مقدار کرک سفارش داده شده و ارسال شده به کمپانی‌های واک و ایک از سال

۱۱۰۷-۱۱۳۹ ق/۱۶۹۴-۱۷۲۶ م (۸)

ایک (هر عدل ۹۰-۱۰۰ پوند)		واک		
مقدار ارسالی	مقدار تقاضا (پوند)	مقدار ارسالی	مقدار تقاضا (عدل)	سال قمری/میلادی
۲۳۴	۷۸	۱,۹۳۱	۱۵-۲۰,۰۰۰	۱۶۹۴/۱۱۰۷
نخریدن پشم	//	۱۷,۵۰۳	//	۱۶۹۵/۱۱۰۸
۲۶۰	//	۴,۲۶۹	//	۱۶۹۶/۱۱۰۹
۳۰۰	//	۲۰,۱۳۸	//	۱۶۹۷/۱۱۱۰
۳۳۸	//	؟	۱۰,۰۰۰	۱۶۹۸/۱۱۱۱
؟	//	۴۰,۰۰۰	۱۵-۲۰,۰۰۰	۱۶۹۹/۱۱۱۲
۲۲۸	//	نخریدن پشم	۱۵-۲۰,۰۰۰	۱۷۰۰/۱۱۱۳
۴۰۳	//	۲۴,۰۰۰	۱۵-۲۰,۰۰۰	۱۷۰۱/۱۱۱۴
۲۴۴	//	۲,۶۱۴,۶۲۱	۱۰,۰۰۰-۱۲	۱۷۰۲/۱۱۱۵
؟	//	۱۲,۰۰۰	۱۰,۰۰۰-۱۲	۱۷۰۳/۱۱۱۶
؟	//	۲۰,۱۶۰	۱۰,۰۰۰-۱۲	۱۷۰۴/۱۱۱۷
۱۷۲	//	۲۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۷۰۵/۱۱۱۸
؟	//	۲۵,۰۲۰	۲۵,۰۰۰	۱۷۰۶/۱۱۱۹
؟	//	۳۰,۰۶۰	۳۰,۰۰۰	۱۷۰۷/۱۱۲۰
۱۵۰	//	۴۲,۳۰۰	۵۰-۷۰,۰۰۰	۱۷۰۸/۱۱۲۱
۴۰۰	//	۲۲,۸۶۰	//	۱۷۰۹/۱۱۲۲
۲۰۰	//	۲۲,۱۴۰	//	۱۷۱۰/۱۱۲۳
۱۵۰	//	۲۱,۷۸۰	//	۱۷۱۱/۱۱۲۴
؟	//	۲۷,۹۰۰	//	۱۷۱۲/۱۱۲۵
۲۰۰	//	۳۴,۲۰۰	//	۱۷۱۳/۱۱۲۶
۵۵۰	//	۳۶,۰۰۰	//	۱۷۱۴/۱۱۲۷

?	//	۲۹,۷۰۰	//	۱۷۱۵/۱۱۲۸
?	//	۳۲,۷۶۰	//	۱۷۱۶/۱۱۲۹
?	//	۲۰,۳۴۰	//	۱۷۱۷/۱۱۳۰
?	//	۳۴,۷۶۰	//	۱۷۱۸/۱۱۳۱
۶۰,۰۰۰	//	۲۱,۰۶۰	//	۱۷۱۹/۱۱۳۲
?	//	۱۲,۹۶۰	//	۱۷۲۰/۱۱۳۳
?	//	۲۲,۷۰۰	//	۱۷۲۱/۱۱۳۴
?	//	۶۰	//	۱۷۲۲/۱۱۳۵
?	//	۲۰,۲۵۰	//	۱۷۲۳/۱۱۳۶
?	//	۱۱,۱۶۰	//	۱۷۲۴/۱۱۳۷
?	//	۳۲,۴۰۰	//	۱۱۳۸ - ۱۷۲۵ / ۳۹ - ۲۶

ملاحظه می‌شود مجموع صادرات واک در دوران صفویه ۳,۱۹۸,۰۴۳ پوند می‌شود در حالی که در دوره افغان‌ها فقط ۱۲۳,۰۸ پوند بوده است و مجموع صادرات ایک در دوره صفویه: ۶۳,۸۲۹ پوند و در دوره افغان‌ها ۰ می‌باشد.

جدول ۳: میزان صادرات کرک توسط واک و ایک در دهه‌های ۱۱۴۲-۱۱۰۳ ق/ ۱۷۳۰-

۱۷۰۰ م (۹)

دهه‌ها (میلادی/قمری)	واک (پوند)	ایک (هر عدل ۹۰-۱۰۰ پوند)
۱۷۰۰-۱۱۱۲/۱۶۹۱-۱۱۰۳	۱۰۴,۸۲۸	۲,۰۳۰
۱۷۱۰-۱۱۲۲/۱۷۰۱-۱۱۱۳	۳۴۴,۶۸۶	۱,۵۶۹
۱۷۲۰-۱۱۳۳/۱۷۱۱-۱۱۲۳	۲۷۱,۴۴۰	۹۰۰
۱۷۳۰-۱۱۴۲/۱۷۲۱-۱۱۳۴	۱۰۴,۸۷۰	?

اما عملکرد کمپانی هندشرفی فرانسه چندان چشمگیر نبود. در روزگار شاه‌سلطان حسین روابط سیاسی و تجاری بین ایران و فرانسه برقرار شد (Kroell, 2015). بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، در سال ۱۱۱۴ ق/ ۱۷۰۸ م، پیر ویکتور میشل فرستاده فرانسه به دربار اصفهان، پس از ملاقات با سلطان حسین، با وجود مخالفت شدید کمپانی‌های هلند و انگلیس، موفق شد اولین

قرارداد رسمی را بین ایران و فرانسه ببندد. حق قضاوت کنسولی، معافیت پنج‌ساله گمرکی، آزادی در برگزاری مراسم مذهبی و امکان زندگی امن فرانسویان در ایران از مفاد این قرارداد بود (لکه‌هارت، ۱۳۴۳: ۵۱۱ و ۵۱۵). با وجود اعطای این امتیازات، هیچ کشتی فرانسوی در خلیج فارس ظاهر نگشت. پس‌از آن، دو کنسول به نام‌های آنژ دو گارداندر اصفهان (۱۰) و پادری در شیراز، به‌عنوان نمایندگان فرانسه، انتخاب شدند. در این میان با وجود انفصال از خدمت و عزل گاردان، پادری از شاه‌سلطان حسین امضاء و تصویب عهدنامه ۱۱۲۷ ق/ ۱۷۱۵ م راه، به فاصله کمی قبل از حمله افغانه، به‌دست آورد (Floor, ۲۰۱۵: ۳۱۲). طیمحاصره اصفهان، به علت وقفه کامل امر تجارت، آنژ دو گاردان و برادرش فرانسوا، در زمینه کارهای بازرگانی توفیقی نیافتند، ولی برای حفظ جان و مال فرانسویان و مبلغان مذهبی همچنان در اصفهان باقی ماندند (نوابی، ۱۳۶۸: ۲۸۴). با این شرایط، طبیعی است هیچ فرصت و فضایی به‌منظور برقراری تعاملات بازرگانی برای کمپانی‌ها باقی نماند؛ چنان‌که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد فروپاشی امپراتوری صفوی و تسلط افغانه هرج‌ومرج سیاسی در ایران به‌وجود آورد؛ همچنین، از هم پاشیدگی ثبات و امنیت در خلیج فارس سبب شد منافع و علایق کمپانی‌ها برای تجارتدر [ایران] و خلیج فارس زوال یابد (سیوری، ۱۳۷۷: ۸۰)، خانه‌ها، پایگاه‌ها و مراکز بازرگانی و تجاری غارت و خراب و به‌کرات غارت و چپاول شود و گاه افراد مربوطه نیز به قتل رسند. در واقع، دوره حاکمیت افغانه برای تجار و بازرگانان، به‌ویژه نمایندگان کمپانی هلند و انگلیس، دوره‌ای سراسر وحشت و بدون امنیت بود که با رکود تجارت و بازرگانی همراه شد.

نتایج پژوهش

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد حاکمیت افغان‌ها پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منفی بر جامعه ایران داشته است. با سلطه آن‌ها، وحدت و یگانگی سیاسی و تمرکز قدرت در ایران از بین رفت و آتش فتنه و آشوب در سرتاسر مملکت شعله‌ور گردید. طی این تغییرات، بخش‌های مختلف اجتماع تحت تأثیر حوادث و وقایع تلخ و خونبار زمان خود تضعیف شد و گاه تا حد نابودی پیش رفت. در پی سقوط حکومت صفویه، دوره تلخی از ناآرامی، جنگ‌های داخلی و خارجی پدید آمد و کشور دچار اغتشاش داخلی و جنگ با سرزمین‌های همسایه و لشکرکشی‌ها شد. در این دوره،

اقتصاد ایران، مانند سایر مظاهر مادی و اجتماعی، سیر رکود و انحطاط یافت. عواملی چون عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی، اشغال بخشی از کشور توسط روسیه و عثمانی، پیدایش مراکز متعدد قدرت، تسلسل طغیان‌ها و گردن‌کشی‌ها، مصادرهٔ اموال و اخذ مالیات‌های سنگین از تولیدکنندگان و بازرگانان، ناامنی راه‌ها و قتل و غارت، کاهش جمعیت فعال کشور بر اثر قحطی، بی‌خانمانی، مهاجرت و مرگ‌ومیر تنها موجب ویرانی روستاها و شهرها و مراکز اقتصادی شد، بلکه به توقف تولید و تجارت در سطح داخلی و خارجی انجامید؛ به‌گونه‌ای که تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران به شدت کاهش یافت. در این دوره تجارت منطقه‌ای، با اشغال و تسلط بر راه‌های تجاری در نواحی شمال، شمال‌غرب و غرب ایران، توسط روسیه و عثمانی، ضربهٔ سنگینی را متحمل شد. همچنین تجارت فرامنطقه‌ای ایران از رونق افتاد و نمایندگان و اعضای کمپانی‌های خارجی تحت فشار قرار گرفتند و اموالشان غارت شد و روابط گستردهٔ سیاسی و تجاری، که ایران عصر صفویه با همسایگان خود برقرار کرده بود، از هم پاشید. پیامد این وضع چیزی جز رکود و انحطاط اقتصادی ایران در دورهٔ افغان‌ها نبود.

پی‌نوشت

^۱- برای مطالعهٔ بیشتر نک. هنوی، ۱۳۶۷: ۳۱۵؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۷؛ کلانتر فارس، ۱۳۶۲: ۳؛ هنوی، ۱۳۶۵: ۵۰-۵۱ و ۲۵۳ و ۳۲۶-۳۲۷ و مشیزی، ۱۳۶۹: ۱۲۴.

^۲- همچنین نک. *A chronicle of the Carmelites in Persia 2012*: ۵۷۶-۵۸۲ و Roger Elfenbein ۲۰۰۱: ۸۹ و ۱۹۷۴: ۴۴۹.

^۳- برای آگاهی از مراکز مهم تجاری و صنعتی ایران و تخریب، نابودی و غارت آن‌ها در دورهٔ افغان‌ها، نک.: بیات، ۱۳۴۸: ۵۸؛ فلور، ۱۳۶۷: ۳۴، ۴۵، ۱۷۰، ۲۶۸، ۲۸۶ و ۲۸۹؛ فلور، ۱۳۶۷: ۹۲-۹۳؛ *اوضاع اقتصادی ایران در قرن بیستم*، ۱۳۷۶: ۱۱۳ و ۱۳۸؛ فلور، ۱۳۷۱: ۸۸-۸۹ و ۹۴؛ *سدید السلطنه مینابی بندرعباسی*، ۱۳۶۲: ۷۲۶؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲ و ۴: ۸۹۵؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۴۶۳؛ فیگوریوا، ۱۳۶۳: ۲۴۶؛ Fryer, ۱۹۲۸: ۲۱۷؛ Herbert, ۱۹۶۸: ۳۳۹.

^۴- درحالی‌که در سده هفده ایران مقدار قابل توجهی از ابریشم جهان را تهیه می‌کرد که از راه زمین و دریا به اروپا که غالباً به قیمت‌های گزاف بفروش می‌رفت، حمل می‌شد. این محصول سالیانه به ۲۰ هزار بقیچه ابریشم (هر بقیچه تقریباً ۲۱۶ لیور) بالغ می‌شد (بهرامی (دماوندی)، ۲۵۳۶: ۹۰).

° - Matthe ۱۹۹۹: ۲۲۷.

٦ - The British East India Company

٧ - Verenigde Oostindische Compagnie

^ - Calmard ۱۹۹۳: 368&9.

٩ - Potter, ۲۰۰۹: ۲۵۲.

۱۰ - فرانسوا، برادر گاردان، نیز همراه وی بود.

منابع و مطالعات

- ادریسی آریمی، مه‌ری، (۱۳۸۵)، «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره افشاریان و زندیان»، تهران: پیام نور، ص ۱۰.
- استرآبادی، میرزا مهدیخان، (۱۳۸۴)، دره نادره تاریخ عصر نادرشاه، به اهتمام جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ: سوم.
- اسدپور، حمید، (۱۳۸۷)، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اشراقی، احسان، (۱۳۷۶)، اهمیت تجارت/بریشم در زمان صفویه، ایران شناخت، شماره ۵.
- اشراقیان، ک.ز، ارونوا، م. ر، (۲۵۳۶) دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید امین، تهران: شبگیر، چ دوم.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۸۴)، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران: اساطیر.
- اقتداری، احمد، (۱۳۵۶)، خلیجفارس، تهران: کتاب‌های جیبی، فرانکلین، چ دوم.
- اوتر، ژان، (۱۳۶۳)، سفرنامه ژان اوتر (عصر نادر شاه)، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- اوضاع اقتصادی ایران در قرن بیستم، گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران ۱۲۸۳-۱۲۸۴ شمسی/۱۹۰۵-۱۹۰۴ م، (۱۳۷۶)، ترجمه معصومه جمشیدی، محمدتقی حروفچین، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اولناریوس، آدام، (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- اولیویه، (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی علیشاه، چ سوم.

- باغداساریان، ادیک، (۱۳۸۰)، *نگاهی به تاریخ ارمنیان ایران*، تهران: احسان.
- بهرامی (دماوندی)، اکرم، (۲۵۳۶)، *تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن هفدهم*، تهران: وحید.
- بیات، اروج بیگ، (۱۳۴۸)، *دون ژوئنایرانی*، با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیگولوسکایا، نیناویکتورونا و دیگران، (۱۳۴۹)، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران.
- تشکری بافقی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، «درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی»، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۱.
- تهرانی‌وارد، محمد شفیع، (۱۳۴۹)، *تاریخ نادرشاهی* (نادرنامه)، تعلیقات به اهتمام رضا شعبانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جکسن، ابراهم و. ویلیامز، (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن* (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری؛ فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.
- جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۳۵)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، برلین: کاوه، چاپخانه کاویانی.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۹۲)، *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*، حسین ربیعی، تهران: سمت.
- حبیبی، حسن، وثوقی، محمد باقر، (۱۳۸۷)، *بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندر عباس*، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- حزین لاهیجی، محمد علی بن ابی طالب، (۱۳۷۷)، *رسائل حزین لاهیجی*، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، ناصر باقری بیدهندی، اسکندر اسفندیاری، عبدالحسین مهدوی، تهران: آینه میراث.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، (۱۳۶۷) *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، ج اول، تهران: امیر کبیر.
- خلیفه، مجتبی، (۱۳۷۹)، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷ و ۳۸.
- مرعشی صفوی، محمدخلیل، (۱۳۲۸)، *مجمع التواریخ*، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: بی نا.
- دروهانیان، هارتون، (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای اصفهان*، ترجمه لئون میناسیان و محمد علی موسوی فریدونی، اصفهان: زنده رود، نقش خورشید.
- دوسرسو، (۱۳۶۴)، *سقوط شاه سلطان حسین*، ترجمه ولی الله شادان، تهران: کتاب سرا.

رضاقلی (والا)، علی، (۱۳۸۴)، «تاریخ، توسعه و توسعه نیافتگی نگرش تطبیقی به آراء ابن خلدون، مارکس، بازرگان و نورث»، فصلنامه جامعه و اقتصاد، موسسه دین و اقتصاد، سال دوم، شماره ۵. سدید السلطنه مینابی بندرعباسی، محمد علی خان، (۱۳۶۲)، سفرنامه سدید السلطنه، تصحیح و تشحیه احمد اقتداری، تهران: بهنشر.

سرپرسی سایکس، (۱۳۹۱)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، ج ۲، تهران: نگاه. سفرنامه بردران شری، (۱۳۵۷)، ترجمه آوانس، با توضیحات محبت آیین، بی جا، کتابخانه منوچهری، چاپ دوم.

سیف، احمد، (۱۳۸۷)، اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم، تهران: نی. سیوری، راجرز. ام، کلی، جی. بی، (۱۳۷۷)، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم میلادی، ترجمه حسن زنگنه، قم: مرکز بوشهرشناسی با همکاری مؤسسه فرهنگی همسایه. شاردن، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲ و ۴، تهران: توس. فلور، ویلم، (۱۳۶۵)، برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان: (روایت شاهدان هلندی)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فلور، ویلم، (۱۳۶۷)، اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس. فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، صنعتی شدن ایران و و شورش شیخ احمد مدنی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فوران، جان، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا. فیگویروا، (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگویروا، تهران: نو. کاتوزیان، محمدعلی همایون، (۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چ بیستم. کروسینسکی، تادوز یودا، (۱۳۶۳)، سفرنامه کروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی مفتون، با مقدمه، تصحیح و حواشی مریم میر احمدی، تهران: توس.

گیلانتر، پطرس دی سرکیس، (۱۳۷۱)، سقوط اصفهان (گزارش‌های گیلانتر درباره حمله افغانان و سقوط اصفهان)، ترجمه از ارمنی به انگلیسی: کارو میناسیان، با مقدمه و تعلیقات لارنس لاکهارت، ترجمه از انگلیسی به فارسی: محمد مهریار، اصفهان: گل‌ها، چ دوم.

- لکه‌هارت، لارنس، (۱۳۴۳) *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران: علمی و فرهنگی.
- لکه‌هارت، لارنس، (۲۵۳۷)، *نادرشاه*، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، ا.ک.اس، (۱۳۷۷)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی فرهنگی.
- مالکوم، سرجان، (۱۳۶۳)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، به کوشش میرزا سیفی فمی تفرشی، ابراهیم زندپور، تهران: یساوولی «فرهنگسرا».
- متی، رودی، (۱۳۹۳)، *ایران در بحران: زوال صفویه و سقوط اصفهان*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- مستوفی، محمد محسن، (۱۳۷۵)، *زبده التواریخ*، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مشیزی، میر محمد سعید، (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- میرزا محمد کلانتر فارس، (۱۳۶۲)، *روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس*، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.
- مینورسکی، (۱۳۳۴)، *سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب نیا، با حواشی و مقدمه محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.
- میرجلیلی، حسین و دیگران، (۱۳۸۹)، *تجارت در جهان اسلام (بخش سوم: تجارت در ایران در دوره صفوی و قاجار: ویلم فلور، ترجمه افسانه منفرد)*، تهران: نشر جامع کتاب.
- نوی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، *نادرشاه و بازماندگانش، همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری*، تهران: زرین.
- نوربخش، حسین، (۱۳۶۹)، *جزیره قشم و خلیج فارس*، تهران: امیرکبیر.
- نیبور، کارستن، (۱۳۵۴)، *سفرنامه نیبور*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توس.
- هنوی، جونس، (۱۳۶۵)، *زندگی نادرشاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هنوی، جونس، (۱۳۶۷)، *هجوم افغان و زوال دولت صفوی*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: یزدان.
- وثوقی، محمد باقر، (۱۳۸۹)، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، چ دوم، تهران: سمت.

وثوقی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *علل و عوامل جابجایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.*

ورهرام، غلامرضا، (۱۳۶۴)، *کمپانی هند شرقی انگلیس در ایران، جستارهای ادبی، پاییز ۱۳۶۴، ش ۷۰.*

ویلسون، آرنولد، (۱۳۶۶)، *خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی، چ دوم. یکتائی، مجید، (۱۳۹۳)، تاریخ دارائی ایران، تهران: دهخدا، چ سوم.*

In English

A chronicle of the Carmelites in Persia: The Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th centuries, (2012) vol2, published by: New York.

Baladouni, vahe and Makepeace, Margaret, (1998), *Armenian merchants of the seventeenth and early eighteenth centuries: English east India company sources*, American philosophical society independence square Philadelphia.

Calmard, Jean, (1993), *ETUD ES SAFAVIDES, The East India company trade in Kerman wool, 1658-1730*, Matthee, Rudi, Institut Francais de recherche en Iran paris - Tdhdan,

Elfenbein. J, (2001), *Review :The Afghan Occupation of Safavid Persia, 1721-1729*, Journal of the Royal Asiatic Society, Third Series, Vol. 11, No, Published by: Cambridge University Press.

Floor, Willem, (2000), *The Economy of Safavid Persia*, Published by Reichert Verlag in Wiesbaden.

Floor, Willem, (2011), *Bandar Abbas: the natural trade gateway of southeast Iran*, mage publishers.

Floor, Willem, (2013), *The persian gulf Dutch – Omani relations a commercial & political history 1651-1806*, mage publishers.

Floor, Willem, (۲۰۰۳), *Agriculture in Qajar Iran*, mage publishers.

Floor, Willem, Edmund Herzing (2015), *Iran and the world in the Safavid age*, published by I.B. Tauris and Co.Ltd.

Fryer, John, (1968), *A New Account of East India and Persia*, London.

Herbert, Thomas (1928), *Travel in Persia 1627-1629*, Edited by Sir William Foster, London.

Matth, Rudolph, (1999), *The politics of trade in safavid Iran: silk foe silver, 1600-1730*, Cambridge: university press.

Nobuaki, Kondo, (2005), *Persian Documents: Social history of Iran and Turan in the fifteenth to nineteenth centuries*, published by Routledge Curzon, published in the Taylor & Francis e-Library.

Potter, Lawrence G. (2009), *The Persian Gulf in History*, Published by Palgrave Macmillan.

Stevens, Roger, (1974), *European visitors to the Safavid court*, Iranian Studies, Publisher: Routledge.

<http://www.iranicaonline.org>, *Encyclopedia Iranica: East India Company (Dutch)*, Willem Floor, accessed on 30 December 2012.

Kroell, Anne, *The article of East India Company (The French)*, *Encyclopedia Iranica*, retrieved from:

<http://www.iranicaonline.org/articles/east-india-company>, 2hr and 3.7.2015.

References and bibliography

– A chronicle of the Carmelites in Persia: The Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th centuries, (2012) vol2, published by: New York.

– Asadpour, Hamid, (2007), *Economic and Political History of the Persian Gulf in the Afsharia and Zandiyeh Eras*, Tehran: Publications of Human Sciences Research and Development Institute.

– Baladouni, vahe and Makepeace, Margaret, (1998), *Armenian merchants of the seventeenth and early eighteenth centuries: English east India company sources*, American philosophical society independence square Philadelphia.

- Calmard, Jean, (1993), ETUD ES SAFAVIDES, The East India company trade in Kerman wool, 1658-1730, Matthee, Rudi, Institut Francais de recherche en Iran paris - Tdhdan,
- Efenbein. J, (2001), Review :The Afghan Occupation of Safavid Persia, 1721-1729, Journal of the Royal Asiatic Society, Third Series, Vol. 11, No, Published by: Cambridge University Press.
- Estrabadi, Mirza Mahdikhani, (2004), Nader Valley, History of Nader Shah Era, by Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and Cultural Publications, 3rd edition.
- Eshraghi, Ehsan, (1376), Importance of silk trade during the Safavid era, Iranian Knowledge Magazine, No. 5.
- Floor, Willem, (2000), The Economy of Safavid Persia, Published by Reichert Verlag in Wiesbaden.
- Floor, Willem, (2011), Bandar Abbas: the natural trade gateway of southeast Iran, mage publishers.
- Floor, Willem, (2013), The Persian Gulf Dutch – Omani relations a commercial & political history 1651-1806, mage publishers.
- Floor, Willem (2003), Agriculture in Qajar Iran, mage publishers.
- Floor, Willem, Edmund Herzing (2015), Iran and the world in the Safavid age, published by I.B. Tauris and Co.Ltd.
- Fryer, John, (1968), A New Account of East India and Persia, London.
- Herbert, Thomas (1928), Travel in Persia 1627-1629, Edited by Sir William Foster, London.
- Matth, Rudolph, (1999), The politics of trade in Safavid Iran: silk for silver, 1600-1730, Cambridge: university press.
- Nobuaki, Kondo, (2005), Persian Documents: Social history of Iran and Turan in the fifteenth to nineteenth centuries, published by Routledge Curzon, published in the Taylor & Francis e-Library.
- Potter, Lawrence G. (2009), The Persian Gulf in History, Published by Palgrave Macmillan.

- Stevens, Roger, (1974), European visitors to the Safavid court, Iranian Studies, Publisher: Routledge.
- <http://www.iranicaonline.org>, Encyclopedia Iranica: East India Company (Dutch), Willem Floor, accessed on 30 December 2012.
- Kroell, Anne, the article of East India Company (The French), Encyclopedia Iranica, retrieved from:
 - <http://www.iranicaonline.org/articles/east-india-company>, 2hr and 3.7.2015.
- Idrisi Arimi, Mehri, (2006), "History of political, social, economic and cultural developments in Iran during the Afsharian and Zandian period", Tehran: Payam Noor Publications, p. 10.
- Ishragian, K.Z., Oronova, M. R., (2536) Government of Nadershah Afshar, translated by Hamid Amin, Tehran: Shabgir Publications, second chapter.
- Iqbal Ashtiani, Abbas, (1384), studies on Bahrain and the islands and coasts of the Persian Gulf, Tehran: Asatir Publications.
- Eghtari, Ahmad, (1356), Khaleejfars, Tehran: Pocket Books, Franklin Publications, Ch II.
- Otter, Jean, (1363), Jean Otter's travelogue (Esra Nader Shah), translated by Ali Iqbali, Tehran: Javidan Publications.
- Iran's economic situation in the 20th century, the report of the British India Trade Board's mission to Southeast Iran 1283-1284/1905-1904 AD, (1376), translated by Masoumeh Jamshidi, Mohammad Taghi Harufchin, Tehran: Publications of the Institute of Contemporary History of Iran.
- Olearius, Adam, (1363), travel book, translated by Ahmad Behpour, Tehran: Ebtakar Publications.
- Olivier, (1371), Olivier's travel book, translated by Mohammad Tahir Mirza, edited and edited by Gholamreza Varahram, Tehran: Information Publications.

- Bastani Parisi, Mohammad Ebrahim, (1362), Politics and Economy of the Safavid Era, Tehran: Safi Alishah Publications, 3rd Ch.
- Baghdasarian, Edik, (2010), A Look at the History of Armenians in Iran, Tehran: Ehsan Publications.
- Bahrami (Damavandi), Akram, (2536), Tabriz from the point of view of foreign tourists in the 17th century, Tehran: Vahid Publications.
- Bayat, Oruj Bey, (1348), Iranian Don June, with margins and notes from Lestrangle, translated by Masoud Rajab Niya, Tehran: Translation and Publishing Company.
- Pigoloskaya, Ninaviktorona and others, (1349), Iran's history from ancient times to the end of the 18th century, translated by Karim Keshavarz, Tehran: Tehran University Press.
- Tashri Bafghi, Ali Akbar, (2012), "Income on the weaving industry of Yazd during the Safavid era", Research Journal of Social and Economic History, No. 1.
- Tehranivard, Mohammad Shafi, (1349), Tarikh Nadershahi (rare book), essays by Reza Shabani, Tehran, Farhang Iran Foundation Publications.
- Jackson, Abraham and. Williams, (1352), Jackson's travel book (Iran in the past and present), translated by Manouchehr Amiri; Fereydoun Badrei, Tehran: Kharazmi Publications.
- Jamalzadeh, Mohammad Ali, (1335), Ganj Shaygan: Iran's Economic Situation, Berlin: Kaveh, Kaviani Publications.
- Hafez Nia, Mohammad Reza, (2012), Persian Gulf Regional Studies, Hossein Rabiei, Tehran: Samt Publications.
- Habibi, Hassan, and Vathoqi, Mohammad Baqer, (2007), historical, political and social analysis of Bandar Abbas documents, Tehran: Iranology Foundation Publications.

- Hazin Lahiji, Muhammad Ali bin Abi Talib, (1377), Hazin Lahiji's Rasails, edited and researched by Ali Ojabi, Naser Bagheri Bidhandi, Iskandar Esfandiari, Abdul Hossein Mahdavi, Tehran: Aineh Al-Hersat Publications.
- Hosseini Fasa'i, Haj Mirza Hassan, (1367) Farsnameh Naseri, corrected and revised by Mansour Rostgar Fasa'i, Vol. 1, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Khalifa, Mojtabi, (1379), Safavid Iran from the point of view of Europeans' travelogues, The Monthly Book of History and Geography, No. 37 and 38.
- Marashi Safavi, Mohammad Khalil, (1328), Majam al-Tawarikh, edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: "Bina" publishing house.
- Darhohanian, Harton, (1379), Tarikh Jolfa of Isfahan, translated by Leon Minassian and Mohammad Ali Mousavi Faridouni, Isfahan: "Zande Roud" publications, "Naqsh Khurshid."
- Doserso, (1364), The Fall of Shah Sultan Hossein, translated by Valiullah Shadan, Tehran: Kitab Sera Publications.
- Rezaqoli (Wala), Ali, (2004), "History, development and non-development of the comparative approach to the views of Ibn Khaldun, Marx, Bazargan and North", Journal of Society and Economics, Institute of Religion and Economics, second year, number 5.
- Sodid al-Sultaneh Minabi Bandarabbasi, Muhammad Ali Khan, (1362), the travel book of Sodid al-Sultaneh, corrected and revised by Ahmad Eghtari, Tehran: Behneshtar Publications.
- Sarpersi Sikes, (2011), History of Iran, translated by Mohammad Taghi Fakhrdaei Gilani, vol. 2, Tehran: Negah Publications.
- Shirley brothers travelogue, (1357), translated by Avans, with explanations of Mohabbate Ayan, Bija, Manuchehri Library, second edition.

- Saif, Ahmad, (2007), *Iran's Economy and Society in the 19th Century*, Tehran: Nei Publications.
- Savery, Rogers. M. Kelly, J. B., (1377), *The Persian Gulf from ancient times to the end of the 18th century AD*, translated by Hassan Zanganeh, Qom: Bushehr Center for Urban Studies in cooperation with the neighboring cultural institution publications.
- Sharden, (1372), *Sharden's travel book*, translated by Iqbal Yaghmai, vol. 2 and 4, Tehran: Tos Publications.
- Flore, Willem, (1365), *The Rise of the Safavids, The Rise of Mahmud Afghan: (Narrative of Dutch Witnesses)*, translated by Abul Qasim Siri, Tehran: Tos Publications.
- Flor, Willem, (1367), *Afghan Ashraf on the Throne of Isfahan*, translated by Abul Qasim Siri, Tehran: Tos Publications.
- Flor, Willem, (1371), *Iran's Industrialization and Sheikh Ahmad Madani's Revolt*, translated by Abolghasem Siri, Tehran: Tos Publications.
- Foran, Jan, (1377), *Fragile Resistance: The History of Iran's Social Developments from 1500 AD according to 879 AD to the Revolution*, translated by Ahmad Tedin, Tehran: Rasa Publishing House.
- Figueroa, (1363), *Dan García de Silva Figueroa's travelogue*, Tehran: New.
- Katouzian, Mohammad Ali Homayoun, (2013), *Iran's political economy from constitutionalism to the end of the Pahlavi dynasty*, translated by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Tehran: Central Publications, Ch 20th.
- Krusinski, Taduz Yoda, (1363), *Krusinski's travel book*, translated by Abdul Razzaq Denbali Mafotun, with an introduction, corrections and notes by Maryam Mir Ahmadi, Tehran: Tos Publications.

- Gilantz, Petres de Serkis, (1371), Fall of Isfahan (Gilantz's reports about the attack of Afghans and the fall of Isfahan), translation from Armenian to English: Caro.
- Lekhart, Lawrence, (1343) The Extinction of the Safavid Dynasty and the Days of Afaghaneh Conquest in Iran, translated by Mustafa Qoli Emad, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Lekhart, Lawrence, (2537), Nadershah, translated and adapted by Mushfiq Hamdani, Tehran: Amirkabir Publications.
- Lambton, A. K. S., (1377), Owner and Farmer in Iran, translated by Manouchehr Amiri, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Malkoum, Sarjan, (1363), History of Iran, translated by Mirza Ismail Hirat, with the efforts of Mirza Seifi Fami Tafarshi, Ebrahim Zandpour, Tehran: Yesavali Publications "Farhangsara."
- Mati, Rudi, (2013), Iran in Crisis: The Decline of the Safavid Empire and the Fall of Isfahan, translated by Hassan Afshar, Tehran: Center Publications.
- Mostofi, Mohammad Mohsen, (1375), Zubadeh al-Tawarikh, by Behrouz Gudarzi, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Mashizi, Mir Mohammad Saeed, (1369), Safaviyeh Kerman Taskira, introduction, correction and revision by Mohammad Ebrahim Bastani Parisi, Tehran: Alam Publications.
- Mirza Mohammad Kalantar Fars, (1362), newspaper Mirza Mohammad Kalantar Fars, edited and edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahori Publications.
- Minorski, (1334), the administrative organization of the Safavid government with Minorski's annotations on Tadzkire al-Muluk, translated by Masoud Rajab Nia, with footnotes and an

introduction by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran: Zovar Publications.

– Mirjalili, Hossein and others, (1389), Trade in the Islamic World (Part III: Trade in Iran during the Safavid and Qajar periods: Willem Fleur, translated by Afsanah Monfared), Tehran: Jame Kitab Publications.

– Navaei, Abdul Hossein, (1368), Nader Shah and his survivors, along with royal letters and political and administrative documents, Tehran: Zarin Publications.

– Nourbakhsh, Hossein, (1369), Qeshm Island and the Persian Gulf, Tehran: Amirkabir Publications.

– Niebor, Carsten, (1354), Niebor's travel book, translated by Parviz Rajabi, Tehran: Tos Publications.

– Hanvi, Jones, (1365), Life of Nader Shah, translated by Ismail Dolatshahi, Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Scientific and Cultural Publishing Company.

– Hanvi, Jones, (1367), Afghan Invasion and Decline of the Safavid State, translated by Ismail Dolatshahi, Tehran: Yazdan Publications.

– Vothoqi, Mohammad Baqer, (2009), History of Persian Gulf and Neighboring Countries, 2nd Ch., Tehran: Smit.

– Vathouqi, Mohammad Baqer, (2009), causes and factors of the movement of commercial centers in the Persian Gulf, Tehran: Research Institute of Islamic History.

– Varharam, Gholamreza, (1364), British East India Company in Iran, Literary Essays, Autumn 1364, No. 70.

– Wilson, Arnold, (1366), Persian Gulf, translated by Mohammad Saeedi, Tehran: Scientific and Cultural Publications, 2nd chapter.

– Yektai, Majid, (2014), History of Iran's Wealth, Tehran: Dekhoda Publications, third chapter.